

سه‌شنبه ۱۴ مرداد ۱۳۹۹ | ۱۴ ذی‌الحجه ۱۴۴۱ | ۴ اگوست ۲۰۲۰

# بازی‌سازان بر ندینگشان را از طریق «کاراکتر» پیش برند

منشأ و ریشه بسیاری از شخصیت‌های سینمایی و کارتونی نیز متون ادبی از جمله افسانه‌ها، داستان‌ها و رمان‌ها است. برای اینکه بتوانیم از شخصیت‌ها و قهرمانان موجود در صنایع فرهنگی استفاده حداکثری کنیم باید از امکان دارد بخشی از این شخصیت‌ها و قهرمانان اسطوره‌ای باشند، بخشی در آثار تصویری و حجمی دیده شوند و مشابهی در ادبیات نداشته باشند، بخشی از آن‌ها صرفاً از طریق ضرب‌المثل‌ها، نقل‌قول‌ها و داستان‌های بومی میان مردم رایج باشند و به آثار ادبی راه پیدا نکرده باشند. از همین رو، محدوده‌ی آن‌ها از شخصیت‌های موجود در آثار ادبی فراتر است.

به نظر می‌آید بهره‌مندی از شخصیت‌هایی که نسبت به آن‌ها در میان مردم تعلق خاطر و احترام وجود دارد مستلزم چند کار در راستای هم است. این پیشنهاد که می‌گوییم از شخصیت‌های ادبی در حوزه طراحی و تولید اسباب‌بازی اقتباس داشته باشیم مستلزم مشارکت و همکاری پژوهشگر، تولیدکننده، طراح، شخصیت‌ساز و شخصیت‌پرداز، ادیب، تاریخ‌شناس و هر نوع تخصص دیگری که با مسأله بازی و اسباب‌بازی ارتباط دارد، است. تعامل و مشارکت تخصص‌های فوق این امکان را می‌دهد که بتوان از شخصیت‌های خیالی، اسطوره‌ای و قهرمانان تاریخی و ملی، به مدل‌هایی قابل استفاده برای کاراکتر در صنایع فرهنگی استفاده کنیم. زیرا این روند به نوعی بین‌رشته‌ای به حساب می‌آید و امکان دارد که عوامل مختلفی مانند تخیل هنرمندانه، دانش فنی، مهارت طراحی، دانش تاریخ و شناخت تاریخی، شناخت انسان‌شناسانه، مطالعات جامعه‌شناختی، دانش و تجربه روان‌شناسی و نظایر آن نقش داشته باشد.

مثلا سیمرغ یک موجود افسانه‌ای است که در ادبیات ما از جایگاه ممتازی برخوردار است و همه ما با نحوی با آن آشنایی داریم، اما به این راحتی نمی‌توانیم بگوییم موجودی به نام سیمرغ داریم و باید از آن در حوزه اسباب‌بازی یا صنایع فرهنگی استفاده کنیم. باید به این ضرورت توجه کنیم که

همه چیز حکایت از اختلالی جدی در نسبت رسانه و حکمرانی امروز ایران دارد. تحریف‌کنندگان حقایق امروز جامعه ایرانی؛ با سردرگمی استراتژی‌های رسانه‌ای ایرانی کار راحتی مقابل خود دارند.

برای اینکه به شکلی عینی نشان دهیم که چگونه زمینه‌های پیشینی تحریف همزمان با توطئه‌های خارجی زمینه را برای قلب حقایق در جامعه ایران فراهم کند سه اتفاق بزرگ رسانه‌ای این روزهای ایران را شاهد مثال می‌آوریم.

**ما را به چین فرووشید!**

یکی از ماجراهای پرداخته و پربحث این هفته‌های جامعه مجازی و واقعی ایران چیزی است که تحت عنوان «فرزاد ۲۵ ساله ایران و چین» مطرح شده است. مخالفت‌ها با این قرارداد که ظاهراً هنوز خود مقامات چین و ایران هم به متنی عینی و واحد درباره آن دست نیافته‌اند وسعت یافته است و هشتگ‌هایی تحت عنوان ایران را به چین فرووشید و ترکمنچای دوم در مخالفت با این قرارداد در فضای مجازی رونق دارد و تمامی پذیر نیست. بعد از روزها و هفته‌ها گفتگو و بحث درباره این قرارداد متن پیش‌نویسی که حاوی کلیاتی درباره روابط ایران و چین است منتشر شد و اعلام شد که است که تاکنون دو طرف سر آن توافق کرده‌اند همین کلیات است و مذاکرات بر سر جزئیات اجرایی این توافقنامه کلی تازه شروع شده است و ادامه خواهد یافت. اما ارانه این پیش‌نویس چیزی از مخالفین این قرارداد کم نکرد. چرا؟ به یک علت بسیار ساده. مخالفین قرارداد از همان ابتدا بر وجود بندی مبنی بر در اختیار گذاشتن جزیره خلیج ایران به چینی‌ها تاکید می کردند. آنها تاکید می کردند و مسئولین هم مدام تکذیب می کردند. اما یک روز یک نماینده مجلس ایران با تلویزیون رسمی جمهوری اسلامی ایران گفتگو کرد و در این گفتگو اعلام کرد که بحث جزیره‌ها در این قرارداد بوده است و با مخالفت‌های مجلس و مردم حذف شده است. به دلیل همین اتفاق ظاهراً ساده همه آنچه مسئولین جمهوری اسلامی پیش از آن و بعد از آن درباره اینکه این قرارداد فعلاً همین پیش‌نویس کلی است و اساساً بحث جزایر در این قرارداد موضوعیت ندارد گفته‌اند و می‌خواهند بگویند عملاً کار کرد خودش را از دست داده است. سخن نماینده رسمی مجلس در تریبون رسمی نظام عملاً اثبات کرده است که آنچه مخالفین این طرح می‌گویند برپیراه هم نیست. مثل سایر داستان‌های مشابه رسانه‌ای این سال‌ها حالا نماینده مجلس داستان ما شروع می‌کند به مصاحبه کردن و تکذیب آنچه عیناً گفته شده است؛ با یک تفاوت؛ کلیپش سریع تقطیع شده است و حالا همه حرف‌های او را شنیده‌اند.

در همین بنبوحه یک تصویر نگارگری از کیش منتشر می‌شود که شباهت زیادی به شیوه نگارگری چینی‌ها دارد و در تهران از استاد دانشگاه تا آدمین کانا‌های چوک این را سند دیگری بر حضور تدریجی حضور چینی‌ها در کیش اعلام می‌کنند. به سرعت تصاویر دیگری با عنوان چینی‌ها در کیش منتشر می‌شود. چشم‌بادامی‌هایی که معلوم نیست کجا از آنها عکس گرفته شده است و حالا سند دیگری برای فروش کیش به چینی‌ها می‌شود.

در عین حال همچنان مسئولین مشغول تکذیب کردن هستند و مشغول بازی در زمینی که مخالفین طرح طراحی کرده‌اند. اما کسانی که به مخالفت با طرح برخاسته‌اند عقب نمی‌نشینند. هیچ نهاد معتبر و مشخصی به طور ویژه اقدام به طراحی یک برنامه رسانه‌ای برای اطلاع مردم از آنچه قرار است بین ایران و چین رخ دهد نمی‌کند. به راحتی مشخص است که هیچ پیوست رسانه‌ای خاصی درباره این قرارداد وجود ندارد و فضا انقدر برای عملیات‌های ضدایرانی مهیاست که حساب تئوسیزی فارسی وزارت امور خارجه آمریکا- به‌عنوان رسانه رسمی‌دولت آمریکا- این چنین توثیت می‌کند: «ظریف اصرار می‌ورزد که هیچ موضوع مخفی در مورد قرارداد با چین وجود ندارد. هیچ موضوع مخفی در مورد عهدنامه‌ترکمنچای نیز وجود نداشت، به جز اینکه هزینه آن را مردم ایران پرداختند. قرارداد ایران و چین، با همان ترکمنچای دوم، به همان قیمت تمام می‌شود.»

توثیتی بسیار عجیب که در شرایط مساعد رسانه‌ای می‌توانست



شخصیت‌سازی ابعاد مختلفی دارد که در نظر گرفتن تمام این ابعاد و جنبه‌ها در کنار هم مشخص می‌کند استفاده از یک موجود اساطیری یا شخصیت حماسی که در منابع ادبی و غیر ادبی وجود دارد، درست است یا اشتباه؛ در طراحی و ساخت کاراکترهای جان‌دار برای مדיاهایی مانند بازی‌های رایانه‌ای و پویانمایی‌ها که در آن‌ها حرکت و سناریو نیز وجود دارد، مطالعات زیست‌شناسی نیز ضروری است. به این معنا که مثلاًاگر کاراکتری برای مناطق گرمسیر یا سردسیر طراحی می‌کنیم باید از طریق مطالعات زیست‌شناسی، به انطباق خصوصیات فیزیکی آن کاراکتر با اقلیم مربوط به خود پردازیم و همچنین رفتارهای او را از نظر علمی، درست و منطبق طراحی کنیم. مهدی خزاف مقدم تولیدکننده و بازی‌ساز رایانه‌ای در گفت‌وگو با خبرنگار مهر به موضوعاتی همچون کمبود کاراکتر در حوزه بازی رایانه‌ای و مشکلات آن صحبت می‌کند.

یکی از معضلات حوزه صنایع فرهنگی نبود کاراکتر بومی، ادبی و تاریخی است، بدون اغراق معضل اصلی است، تولیدکننده اسباب‌بازی به ضرر قاطع این امر را متوجه نویسندگان و انیمیشن‌سازان می‌کند که در این زمینه تعامل دو سویه شکل نگرفته و گاه هم نوک پیکان به

«تحریف» چگونه جا باز می کند

# از #اعدام\_نکنید تا وقف قله دماوند!



است که هزاران توثیت، صدها کاریکاتور و متن و… در مخالفت با این طرح منتشر می‌شود. تویخانه‌ای که لفظهای آرام نمی‌گیرد و با انواع و اقسام کنیک‌های رسانه‌ای در حال القای فروش ایران به چین است دولت‌رمان کماکان مشغول تکذیب هستند و کماکان عده‌ای از مردم خیال می‌کنند که قرار است ایران به چین فروخته شود و واضح است که این تکذیباها و جدی نگرفتن‌ها مربوط به امروز و دپیروز نیست. یک فرآیند غیرشفاف و غیرپاس‌خگوست که نهایتاً کار را به تکذیب مداوم و جدی نگرفتن مداوم می‌کشاند. این تمام آن چیزی است که از بعد رسانه‌ای در کشور درباره قرارداد چین و ایران وجود دارد. شلختگی رسانه‌ای و عدم وجود یک مغز متفکر واحد برای پیشبرد رسانه‌ای ماجرابی که می‌تواند در عالم خارجی، فرصت پیشرفتی بزرگ برای ایران باشد؛ حالا منجر به بروز ابهاماتی جدی در ذهن مردمانی شده است که خبری از ماجرا ندارند و هر چه قدر هم سعی می‌کنند اعتماد کنند آن کلیپ کذابی نماینده مجلس جلوی چشم‌شان است و کسی را نمی‌بینند که یقه آن نماینده مجلس را گرفته باشد که تو برای توافقی هنوز صورت گرفته چه‌طور مدعی شده‌ای؟

این شرایط در روزگاری است که دشمنان کلاسیک ایران؛ میانه یکی از پرهمه‌ات‌ترین کارزارهای ضدایرانی تاریخ انقلاب ایستاده‌اند و فضای داخلی با یخ‌زدی رسانه‌ای به راحتی مساعد گنجاندن هر بند دلخواهی در این قرارداد است.

**فریاد بلند #اعدام\_نکنید در مقابل سکوتی متغلهانه**

همه کسانی که در آن شب طولانی هشتگ اعدام نکنید می‌زدند مخالفان قسیمه خورده جمهوری اسلامی و معادان نسبت نبودند. علاوه بر دشمنان همیشگی جمهوری اسلامی به شکلی واضح و روشن کسانی در این کمپین شرکت کردند که چنین تصویری در ذهن‌شان بود؛ «چند جوان به خاطر گرانی بنزین در آبان ماه سال گذشته به خیابان‌ها آمدند و اعتراض کردند و حالا قرار است آنها اعدام شوند. کمک کنیم که جان این بی‌گناهان را نجات دهیم.»

دوباره لازم به ذکر است که وجود برقدرت و مؤثر رسانه‌ای بیگانه در اعلام این موضع قابل‌انکار نیست اما ماجرا اینجاست که مسئول رسانه‌ای حکمرانی در ایران چه کرده است که این سیستم مؤثر شده است که می‌داند که چگونه نفوذ کند و جاهای خالی را به زودی تشخیص دهد و آنجا لانه گزیند.

خبر قطعی شدن اعدام این سه جوان در یکی از نشست‌های روتین سخنگوی قوه قضائیه اعلام شد. چیزی در حد چند جمله با تیتز قطعی شدن اعدام سه جوان معترض آبان ماه به زودی بمب خبری فضای مجازی شد و دیگر صدای همین چند جمله سخنگوی قوه قضائیه که می‌گفت آنها در یک سرقت با سلاح سرد دستگیر شده‌اند و بعد فیلم‌های آنها نشان داده است که نقش مؤثری در اغتشاشات و ویران‌گری‌های آبان سال گذشته داشته‌اند هم در میانه این شلوغی‌ها گرم شد. کسی از سیستم رسانه‌ای قوه قضائیه احساس نیازي نکرد که برای این موضوع ویژه وقت مکنی بگذارد همه ماجرا را از لحظه دستگیری در ترکیه تا نحوه دادرسی آنها توضیح دهد و تازه شب هنگام بود که تردن شدن هشتگ اعدام نکنید همه را متوجه بمبی که آقای سخنگو منفرج کرده بود کرد و حالا دیگر دیر شده بود. یک رسانه منتسب به نظام؛ فر‌دای همان روز اعلام کرد که

شد. برای خود من که بازی «شکرگرد» را ساخته بودیم عجیب بود چه شد مردم این را پسندیدند. حتی کامنت‌های مثبت هم گرفت.

براساس نظرسنجی‌ها و کامنت‌های که از سوی مخاطبان دریافت کردید به این نتیجه رسیدید که نقش کاراکتر بسیار تأثیرگذار است؟ پس مخاطبان و علاقه‌مندان به کاراکتر اهمیت می‌دهند!؟

بررسی کردیم دیدیم وجود این کاراکتر و یک خط داستانی باعث شد بچه‌ها سراغ این بازی بیایند و حتی بازی «مهدیبار ۲» را ساختیم. بازی را قوی‌تر کردیم و این بار دیالوگ برای کاراکتر آوردیم و دوبار بازی را بختیم. بازمهم بازی کوتاهی بود ولی داتلود بالایی گرفت. برای ما جا افتاد باید به کاراکتر بها دهیم و «مهدیبار ۳» را ساختیم بعد از آنکه در این بازی را در قالب کتاب دربیاروند. البته آموزش‌هایی که در این زمینه باید انجام شود هم خیلی وجود نداشته و به نوعی صنعت گیم به‌مدی نوپا است که شاید در درجه اول پرداختن به کاراکتر نسبت به حوزه‌های دیگر و پیش‌از آن غیرمعقول به نظر آید؟

قطعاً بحث آموزش در این زمینه بسیار کم‌رنگ است به گونه‌ای که حتی در حوزه مارکتینگ هم آموزش‌هایمان گم است و خیلی از افراد مارکتینگ را آموزش ندیدند و از آن اطلاعاتی درستی ندارند، حتی هیچ شناختی نسبت به پلت‌فرم‌های مختلف ندارند و افراد متخصص انگشت‌شمارند که نمی‌توانند این نوع آموزش‌ها را به افراد علاقه‌مند انتقال دهند. مباحث مارکتینگ، پلت‌فرم‌ها، کاراکترها به گونه‌ای شکل گرفته که به عنوان حلقه زنجیربورار به هم متصل نشده‌اند و همه چیز گم است از همین رو تمام فعالیت‌ها مدام به دیوار می‌خورند، با توجه به اینکه صنعت گیم بسیار جوان است و سابقه ۱۰ ساله دارد اگر آموزش در این زمینه وجود نداشته باشد پیشرفت و گام‌های رو به جلو فراموش می‌شود و راكد می‌ماند.

یکی از دلایل این است که این حوزه را نمی‌شناختیم و علم‌اش را نداشتیم. دلیل دیگر این بود که بازی‌ها ادامه‌دار نبودند که کاراکترش ایجاد شود. چند سال قبل یک بازی ساختیم، نمی‌گویم شد بود، دوکارگی کردیم یک بازی بود به نام «مهدیبار ۱». داستان خیلی کوتاهی داشت آن پایین می‌نوشتیم کاراکتری هم به اسم مهدیبار وجود دارد که این امر باعث شد بازی خیلی داتلود

حکم اعدام این سه تن متوقف شده است و خبر به صورت گسترده‌ای همه جا منتشر شد. اما دقایقی بعد مدیرعامل خبرگزاری قوه قضائیه در یک توثیت خبر این رسانه را تکذیب کرد و آن خبرگزاری هم توضیحی بر خبر اول خود افزود. این دستپاچگی رسانه‌ای واضح حتی از بی‌خبری روز اول هم خطرناک‌تر بود.

ایا برپایی یک نشست خبری با این موضوع و اعلام توضیحات بیشتر توسط همه دست‌اندرکاران این پرونده از جمله قاضی و بازپرس و…بخش فیلم‌های موبایل‌متهمین کار سختی بود؟
خبر اما در تعریف سنتی ایرانی این یک عقب‌نشینی به حساب می‌آمد و همین سنت متوهمانه سبب شد که ماجرا عملاً همین شود. خیلی زود یکی از وکلای متهمین افسار حرکت رسانه‌ای درباره این اتفاق را به دست گرفت و حالا همه برای شنیدن خبری از این اتفاق نه منتظر مرجع رسمی که در این موارد باید به آن رجوع کرد و یک منتظر کیلیی بودند که قرار بود از مولکش دفاع کند و طبیعتاً مهره‌ها را به ترتیب خاصی می‌چیند.

ندیدن بدیههاتی واضح برای این عملیات رسانه‌ای خود را به ندیدن زدن است؛ اینکه این سه متهم نام معترضان آبان گرفتند و اینکه عکس‌های جوانان آنها مدام در چشم مخاطبان بود و… و در مقابل انفعال همه ماجرا بود.

**قله دماوند را هم فروختند؟**

صبح یک روز وحشتناک؛ روزی که ایران رکورد کشته‌شده‌های روزنایی را زده بود خبر یک روزنامه دوباره تبدیل به جنجال و هیاهوی دیگری در جامعه ایران شد. یک یازدهم کوه دماوند وقف شده بود و شنیدن این اخبار در میانه انبوه اخبار اختلاس و تاراج سرمایه‌های وطنی و ماجرای چین و … حس و حال مخاطب ایرانی را درگروگن کرد. اما این تازه شروع ماجرا بود. صبح و ظهر خبر اعلام شد آنچه وقف شده است مرتعی در دامنه رشته‌کوه البرز بوده است و شب اعلام شد که اوقاف از ماجرا باخبر شده است و دوباره فردا صبح اعلام شد که چنین چیزی صحت ندارد و همه باید به صبح دیپروز برگردیم. رسانه‌ها مطمئن بودند که هر خبری که با تیتزی درباره وقف کوه دماوند منتشر شود پرمشتری است و مجموعه رسانه‌ای رسمی ایران اینگونه با احساسات و افکار مردم بازی می‌کند و دوباره خالی است جای یک مرجع معتقد رسانه‌ای در امور مربوط به حکمرانی. چندی بعد به تدریج اخباری درباره وقف کردن منابع طبیعی دیگری هم شروع به انتشار کرد تا روان خراشیده مردم از کرونا و گرانی و اخبار بد کاملاً تحت فشار قرار بگیرد. مشخص است که منابع این اخبار با چه مقصدی این اخبار را منتشر می‌کنند اما هنوز مشخص نیست که در چنین مواقعی سیستم رسانه‌ای نظام می‌خواهد چه کار کند. اینجا اساساً برنامه‌ای در کار نیست.

xxx

نه تنها بررسی سه مورد شرح داده شده بلکه همه اتفاقات این روزهای فضای درهم و شلوغ و بهم ریخته واقعی و مجازی در ایران نشان می‌دهد که سنت‌های رسانه‌ای اداره جامعه ایران در یکی دو دهه قبل نیازمند به بروز شدن و تغییرات اساسی است. تلقی‌های دگانه‌ساز از مردم حالا دیگر کارکرد خود را از دست داده است و احساس بی‌نیازی از توضیح دادن و شفافیت با استدلال مربوط نبودن حوزه‌هایی از حکمرانی به مردم دیگر جواب نمی‌دهد و زمینه را برای تحریف حقایق به راحتی باز می‌کند و اینگونه است که جامعه ایرانی در یکی از ناامیدکننده‌ترین وضعیت‌های روانی معاصر به سر می‌برد. چیزی که شاید چندان تناسبی با وضعیت واقعی زندگی آنها نداشته باشد.

۲۱ فروردین ماه رهبرانقلاب در یک سخنرانی تلویزیونی (به سبک جدید در روزگار کرونا) اشتباهی لفظی درباره تعداد کشته‌های کرونا انجام داد. چند دقیقه بعد ویدئوی کوتاهی از سایت دفتر رهبر انقلاب منتشر شد که رهبری در مقابل دوربین اعلام می‌کرد که منظورش مسئولان بوده است. پیش از هر گونه بلوا و حاشیه رسانه‌ای؛ ماجرا همین جا تمام شد.

این شاید پیش‌وورتین اتفاق سال اخیر در حوزه نسبت رسانه‌ها و حکمرانی بود. اتفاقی که تاکنون در حوزه‌های به مراتب کوچک‌تری با حساسیت‌هایی به مراتب کوچک‌تر رخ نداده است.

شماره ۳۰۱۷

# اخبار

اینجا چراغی روشن است

**نماهنگ‌هایی با محوریت نکات کاربردی اخلاقی**

اینجا چراغی روشن است عنوان سزگی نماهنگ‌هایی است که با موضوعات اخلاقی برگرفته از سیره امیرالمومنین (ع) و حضرت فاطمه در زندگی زناشویی تولید شده است. **به گزارش امتیاز**، این برنامه شامل ۷ ماهنگ با موضوعاتی کاربردی در زندگی مشترک از قبیل روش صحیح انتقاد،تایید کردن همسر،احترام متقابل زوجین،محبت بین زوجین،راههای درمان عصبانیت ،در قالب مثالهایی کوتاه از زندگی مشترک حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س)است. لازم بذکر است حضور حجت الاسلام کریم‌با به عنوان کارشناس و مجری بر غنای این نماهنگها می‌افزاید.
علاقه مندان می توانند برای دیدن این نماهنگها ، به اینستاگرام فرهنگسرای رازی به آدرس **www.aparat.com/razi\_farhangsara** کانال آپارات منطه به آدرس**www.aparat.com/razi\_farhangsara** مراجعه و یادر صورت تمایل به کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۵۵۴۲۰۵۸۵تماس بگیرند.

**چاپ کتابی دیگر از نویسنده«هنر شفاف‌اندیشدن»**

کتاب «دیگر اخبار نخوانید! آمانیفستی برای زندگی شادتر و آرام‌تر و عقلاتی‌تر(» نوشته رولف دوبلی به‌تازگی با ترجمه فائزة طباطبایی توسط نشر نو منتشر و راهی بازار نشر شده است. این‌کتاب یکی از عناوین مجموعه «کتابخانه فلسفه زندگی» است که این‌ناشر چاپ می‌کند. نسخه اصلی این‌کتاب سال ۲۰۲۰ در لندن چاپ شده و نویسنده آن را به همسرش تقدیم کرده که خواننده اخبار را مدت‌ها پیش از نوشتن کتاب کنار گذاشته و همچنین به دوقوله‌هایش. او می‌گوید کنایش بدون مکالمات و امپیلی‌ها و نامه‌های بی‌شماری که طی سال‌ها در مورد اخبار رد و بدل کرده، به وجود نمی‌آمد. این‌کتاب از مقاله جنجالی نویسنده در سایت اینترنتی گاردین ریشه می‌گیرد که بهانه‌اش کتاب «هنر شفاف‌اندیشیدن» بوده است. رولف دوبلی در ابتدای کتاب خود را یک معناد به اخبار معرفی می‌کند و وارد مباحث اثرش می‌شود. او در ادامه به این‌جا می‌رسد که اخبار قاتل جان آدم‌های امروز هستند و به مرور آن‌ها را می‌کشند. بنابراین نباید به اخبار گوش داد یا مانند معنادها دنبال آن‌ها بود. تلاش او در این‌کتاب بر این بوده تا گزاره مهاجم و مخرب‌بودن اخبار را اثبات کند. او به مخاطبش می‌گوید «مطالعه این‌کتاب در جهان سرعت‌زده امروز ممکن است به شما نیروی دوباره‌ای برای تعمق در مسائل و احساساتی بدهد که مدت‌هاست سیل شبانه‌روزی اخبار، شسته و برده و محوشان کرده است.» او به مخاطبش می‌گوید بهتر است معطل نکنند و از همین‌امروز دیگر اخبار را نشنود!

کتاب «دیگر اخبار نخوانید!» ۳۵ فصل دارد که به این‌ترتیب‌اند:

«چگونه توانستم اخبار را ترک کنم: قسمت اول»، «چگونه توانستم اخبار را ترک کنم: قسمت دوم»، «خبر برای ذهن مانند قند است برای بدن»، «پرهیز سفت‌وسخت»، «برنامه‌سی روزه»، «راه آسان»، «اخبار اهمیتی ندارد: قسمت اول»، «اخبار اهمیتی ندارد: قسمت دوم (یک آزمایش فکری)»، «اخبار خارج از گستره توانمندی شماست»، «تصویری که اخبار از ارزیابی ریسک عرضه می‌کند کاملاً خطاست»، «دنبال‌کردن اخبار اتلاف وقت است»، «اخبار مانع شکل‌گیری نگرشی فراگیر می‌شود»، «اخبار برای بدن سم است»، «اخبار اشتباهات ما را تأیید می‌کند»، «اخبار سوگیری گذشته‌نگر را تقویت می‌کند»، «اخبار سوگیری سهولت دسترسی را تقویت می‌کند»، «اخبار آشفشاش نظرات را جوشان نگه می‌دارد»، «اخبار مانع اندیشیدن می‌شود»، «اخبار ساختار مغز ما را دگرگون می‌کند»، «اخبار مایه شهرت کاذب است»، «اخبار ما را از آنچه واقعا هستیم کوچک‌تر می‌کند»، «اخبار ما را منفعل می‌کند»، «اخبار را روزنامه‌نگاران اختراع می‌کنند»، «اخبار فریبکار است»، «اخبار قاتل خلاقیت شمامست»، «اخبار تولید گردنیاخت را تشویق می‌کند: قانون استرینج»، «اخبار موجب توهم همدمی می‌شود»، «اخبار تروریسم را تشویق می‌کند»، «اخبار آرامش ذهنی ما را نابود می‌کند»، «مقتاعد نشدید؟»، «و اما دموکراسی؟: قسمت اول»، «و اما دموکراسی؟: قسمت دوم»، «ناهار خبری»، «آینده اخبار» و «زندگی بدون اخبار چه حسی دارد»

این‌کتاب با ۱۵۲ صفحه، شمارگان هزار و ۱۰۰ نسخه و قیمت ۲۴ هزار تومان منتشر شده است.

**روی سرخ قلعه پرتغالی‌های هرمز سیمانی شد**

قلعه پرتغالی‌ها در جزیره هرمز ۵۰۰ سال قبل ساخته شد این قلعه تاریخی به دلیل مجاورت با معدن خاک‌های سرخ در طول زمان به رنگ سرخ در آمده از سنگ‌های رپولیت سبز و ساروج ساخته شده بود. این بنای تاریخی یکی از مهمترین جاذبه‌های تاریخی این جزیره است که سال ۹۶ بخشی‌هایی از دیوار جنوبی آن ریزش کرد و قسمت شمالی و سقف آن نیز در معرض خطر قرار داشت. عباس نوروزی معاون میراث فرهنگی استان هرمزگان سال گذشته درباره طرح مرمتی این بنای تاریخی گفته بود: قرارداد مناقده مربوط به مرمت اضطراری قلعه پرتغالی‌ها برابر با یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان است که از منبع اوراق و سر رسید آن (سال ۱۴۰۰) برای شرکت مجری در نظر گرفته شده است. نوروزی نام این شرکت مجری را یک شرکت مرمتی اعلام کرده بود که در زمینه مرمت بناهای تاریخی فعالیت کرده است.

درصورتی که این شرکت در واقع شرکت پیمانکاری است و براساس صورتحلسه مجمع فوق‌العاده آن که اواخر سال گذشته به تأیید اداره کل میراث فرهنگی استان هرمزگان رسید، وظایفی از جمله ساخت کارگاه‌های صنایع دستی و نگهداری پایگاه‌های بافت تاریخی، تأمین نیروهای خدماتی سفر، مرمت اشیای تاریخی، بازنگری اصلااح طرح‌های نوسازی، ساماندهی و ساخت خانه‌های بوم گردی، مرمت بافت‌های فرسوده و … دارد. این شرکت مرمت قلعه پرتغالی‌ها را نیز در اختیار می‌گیرد ولی به جای استفاده از مصالح بومی از مصالحی استفاده می‌کند که انتقاد کارشناسان را به همراه دارد. در واقع کارشناسان بر این باورند که سیمان جای مصالح بومی را در قلعه پرتغالی‌های هرمز گرفته است و قلعه‌ای که زمانی از سنگ‌های رپولیت سبز و ساروج برای ساخت آن استفاده شده بود، حالا با سنگ ملون و سیمان روی سنگ‌های مرجانی و قدیمی (به اصطلاح) مرمت شده است.

برومند مدیرکل میراث فرهنگی استان هرمزگان در پاسخ به انتقاده‌ها درباره رنگ مصالح گفته که این تغییر رنگ به دلیل فرسایش سنگ‌ها بوده و تغییرات محیطی لازم است تا سطح ظاهری نما به سطح قبلی برگردد. این درحالی است که استفاده از سیمان و مصالح نادرست در مرمت بنا مورد انتقاد کارشناسان بوده است نه رنگ آن. اکنون که رسانه‌ها و کارشناسان نسبت به استفاده از سیمان و مرمت‌های غیراصولی واکنش‌های زیادی نشان داده اند، وزارت میراث فرهنگی از موضوع با خبر شده و نسبت به آن واکنش نشان داده است. هادی احمدی روئینی مدیرکل دفتر احیای بناهای تاریخی گفته است که این اقدامات مورد تأیید نیست و پروژه متوقف است تا وزارت میراث فرهنگی درباره آن تصمیم بگیرد. احمدی گفته رهیود انجام این اقدامات طی نشده است.

باید ابتدا طرح مرمت از استان تهیه و سپس به ستاد ارسال می‌شد و پس از بررسی، در صورت نداشتن مشکل برای اجرا، به استان ابلاغ می‌شد. پس از آن پروانه یا حکم مرمت صادر می‌شود که نشان‌دهنده طی شدن روند استناددار بررسی طرح است اما متأسفانه طرح مرمت بدون هماهنگی با ستاد انجام شد.

عباس نوروزی معاون میراث فرهنگی هرمزگان هم توضیح داده که این مرمت اضطراری بود از این رو طرح مرمت ارائه نشد چون به منظور رفع خطر انجام شده بود.

**آثار منتشرشده از ارست همیگوی پر از غلط است**

با استناد به مطالعه‌ای جدید که به بررسی دقیق متن‌های منتشرشده ارست همیگوی انجام شده، آثار این نویسنده افسانه‌ای با صدها غلط چاپ شده و در این همه سال که از انتشار آنها می‌گذرد، کاری برای تصحیح آن‌ها انجام نشده است.

اریت دبلیو ترادگی که محقق ارشد ادبیات آمریکایی قرن بیستمی است، به گاردین گفت که رمان‌ها و داستان‌های کوتاه همیگوی به شدت نیازمند ویراستاری هستند و این تصحیح باید «تا جایی که ممکن است با چیزی که او نوشته همخوانی داشته باشد» چون تعداد اشتباه‌ها «دربرگیرنده چند صد مورد است».

او گفت بسیاری از این اشتباه‌ها کوچک هستند و اشتباه‌هایی هستند که ویراستاران و تایپ‌کنندگان مرتکب شده‌اند.

بیشتر دست‌نوشته‌های ارست همیگوی منتشرشده از نسخه‌های موجود جمهوری جان اف. کندی در بوستون نگهداری می‌شوند و ترادگن هم همینجا آن‌ها را بررسی کرده است.

به طور مثال او از داستان کوتاه سال ۱۹۳۳ «طوری که هرگز نخواهی بود» نام برد که در آن وقتی شخصیت نیک آدامز سعی دارد برای سربازان ایتالیایی درباره نحوه گرفتن ملخ توضیح بدهد، با تغییر یک حرف، به جای کلمه «کلاه» از کلمه «چماق» استفاده شده است.

این جمله‌ای است که همیگوی در اصل نوشته بود: «اما باید اصرار کنم که شما هرگز از طریق دنبال کردن این حشرات با سعی در ضربه زدن به آن‌ها یا یک کلاه تلاش نکنید که تعدادی کافی از آن‌ها را به دست بیاورید.» که در این جمله کلاه به چماق (bat-hat) بدل شده است. در مثالی دیگر، چند غلط املایی در یکی از نسخه‌های رمان سال ۱۹۲۶ همیگوی درباره فرانسوی‌ها و اسپانیایی‌هایی که بعد از جنگ خارج از کشور زندگی می‌کنند با عنوان «خورشید هم طلوع می‌کند» دیده می‌شود. اسم یکی از مبارزان که «مارسیال لالاندا» است «مارسالیو سالاندا» نوشته شده که اشتباهی است که راحت می‌توان مرتکب شد چون این نویسنده حرف «ال» و «اس» را تا حدودی شبیه به هم می‌نوشت. همچنین رستورانی با عنوان «سیکوک» وجود دارد، در حالیکه نویسنده قصد داشته به یک رستوران واقعی به نام «سیگوتی» در پاریس اشتباه کند. این هم می‌تواند اشتباهی ساده برای فردی باشد که با طرز نوشتن «کیو» و «جی» توسط نویسنده آشنا نباشد.

از طرف دیگر، تایپ‌کنندگان نحوه علامت‌گذاری و زمان فعل‌های همیگوی را تغییر دادند. به طور مثال، در داستان کوتاه ۱۹۳۳ «نور دنیا» جمله «او فقط به خندیدن و لرزیدن ادامه می‌دهد» باید «او فقط به خندیدن و لرزیدن ادامه داد» باشد.

ترادگن می‌گوید با استناد «زیر کلیمناچارو» و «هیفاقتی تکان‌دانی: نسخه بازبایی شده» که به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۹ منتشر شده‌اند، هیچ کتاب دیگری از همیگوی وجود ندارد که تمام نکاتش دقیقاً همانطوری باشد که همیگوی آن‌ها را نوشته بوده است. این در حالی است که چنین مسئله‌ای در ارتباط با آثار چهره‌های بزرگ معاصر دیگری از جمله اف اسکات فیتزجرالد و ویلیام فاکنر وجود ندارد و آثار آنها با استفاده از نسخه‌های درست، بازبینی و بازنشر شده‌اند.